

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

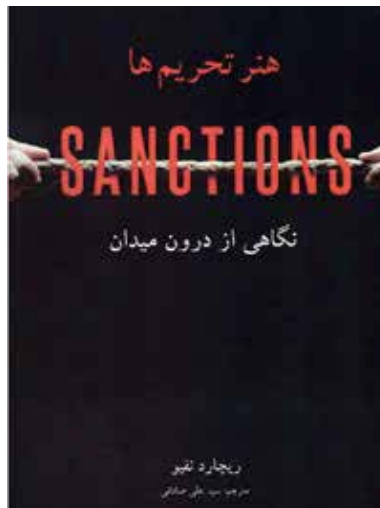
Political

سیاسی

کوروش تیموری فر  
۱۵ سپتمبر ۲۰۲۳

## تحریم: پاسخ نافرمانی

معرفی کتاب: «هنر تحریم‌ها»



در شماره ۱۸ «دانش و امید»، با کتاب اخیر لوسوردو- وقتی نیروهای چپ در صحنه نیستند- آشنا شدیم. او در این کتاب، مفصلاً به استفاده امپریالیسم از سلاح تحریم، برای به زانو درآوردن رژیم‌های نافرمان پرداخته است. از جمله، به نقل از مجله امور خارجی ارگان شورای روابط خارجی آمریکا می‌نویسد: «پس از فروپاشی «سوسیالیسم واقعی»، در جهانی که به سرکردگی ایالات متحده، یکدست شده است، تحریم یک سلاح نابودکننده توده‌ای واقعی بسیار عالی است. این سلاح که رسماً به کار گرفته شد تا پیشاپیش، از دستیابی صدام حسین به سلاح کشتار جمعی جلوگیری کند، در سال‌های پس از جنگ سرد، برای عراق، نسبت به کلیه سلاح‌های کشتار توده‌ای در تاریخ، مرگ بیشتری به همراه داشت» (ص ۹۹).

بر اساس گزارش مرکز بین‌المللی دادگستری ژنیو، بیش از ۱.۵ میلیون عراقی در اثر تحریم‌های آمریکا، قتل عام شدند.<sup>۱</sup> این گزارش، مؤید گزارش قبلی یونیسف در سال ۱۹۹۹ است که نشان می‌داد بیش از ۵۰۰ هزار کودک عراقی در طول ۸ سال تحریم عراق، به کام مرگ فرو رفتند.

هم‌اکنون حدود ۴۰ کشور در جهان، هدف تحریم‌های یکجانبه امپریالیسم آمریکا-یا چند جانبه، به‌رهبری او- هستند. کشتار خاموش تحریم‌ها، به‌زحمت قابل ثبت است.

امپریالیسم امریکا، به اتاق تحریم‌های وزارت امور خارجه، همچون اتاق جنگ می‌نگرد. **خوان زاراته** در کتاب **جنگ خزانة**، از کارشناسان تحریم ایران، به‌عنوان «چریک‌های کتوشلوری دولت ایالات متحده» یاد می‌کند. هر انسان دوستی در جهان، مخالف سرسخت تحریم‌های یک‌جانبه است. اما «تحریم» چیست؟ چرا تحریم‌گذار، تحریم را به‌عنوان ابزار اصلی و ثابت، در جعبه ابزار تعامل خود با کشورهای دیگر می‌داند؟ کتاب **هنر تحریم‌ها**: نگاهی از درون میدان، را **ریچارد نفیو**، هماهنگ‌کننده ارشد امور تحریم در وزارت خارجه، و مسؤول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران در دولت **اوباما**، نوشته است. کتاب در اوایل سال ۲۰۱۸ نوشته شده و ظرف مدت کوتاهی، توسط مرکز پژوهش‌های مجلس ترجمه شده است. این کتاب در این آدرس قابل دسترسی است:

<https://rc.majlis.ir/fa/report/download/1057354>

او در این کتاب تلاش می‌کند تا مفاهیم پایه‌ی تحریم -به‌مثابه یک سلاح جنگی- را بازنمائی کند: «در سطح ستراتیژیک و سیاست‌گذاری، اعمال درد از طریق تحریم‌ها، هدف یکسانی با عملیات نظامی دنبال می‌کند... به‌طوری که طرف مقابل، یا مقاومت کند و یا از پا بیفتد... از آنجائی که آسیب‌های تحریم‌ها کمتر دیده می‌شوند، این الزام وجود ندارد که حتماً باید تخریب کمتری هم ایجاد شود، خصوصاً برای کشورها و جمعیت‌هایی که به لحاظ اقتصادی، از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند» (۱۲).

او اصطلاح **دوگانه درد استقامت** را برای بیان غایت انتظارات مجموعه تحریم‌ها، در سراسر کتاب به‌کار می‌برد. ستراتیژی تحریم، تشخیص نقاط حساس به درد در کشور هدف است. باید آن‌چنان محدودیت‌ها و ممانعت‌هایی برای کشور هدف در نظر گرفته شود تا بیشترین درد را متحمل شود. آنگاه باید به اندازه‌گیری استقامت آن کشور پرداخت. میزان استقامت، میزان انطباق جامعه هدف با محرومیت‌ها، تعیین‌کننده گام بعدی و تغییرات احتمالی در نظام تحریم‌هاست.

بدیهی است که نفیو با توجه به موقعیتش، موافق تحریم‌های هوشمندانه به‌منظور درهم شکستن مقاومت هر کشوری است که از تبعیت بی‌چون‌وچرا از امپریالیسم سر باز می‌زند. او وانمود می‌کند که طرفدار آن اقدام‌های تحریمی است که تبعات منفی بشر دوستانه کمی داشته باشند، اما از سوی دیگر نمی‌تواند لذت خود را از رنج مردمان کشور هدف پنهان کند: «درآمد خالص عراق، تا ۹۰ درصد در اولین سال، و بعد تا ۴۰ درصد در سال‌های بین ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ کاهش یافت؛ تولید صنعتی تا ۸۰ درصد کاهش پیدا کرد؛ در سال ۱۹۹۶ کارمندان و کارگران بخش عمومی و دولتی به صورت میانگین ۳ تا ۵ دالر در ماه درآمد داشتند، در حالی‌که قبل از این تحریم‌ها، درآمد آنها بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ دالر در ماه بود». (۲۲)

از آنجا که تحریم‌ها در عراق، به اهداف نهائی خود رسیدند، آمارهای روشنی در مورد آن کشور وجود دارند. اما در مورد کشور ایران، تماماً تلاش شده که آمارهای گزینشی ارائه شود. تحریم‌ها هنوز در جریانند و بخش مهمی از اهداف تحریم باید پنهان بمانند.

نفیو معتقد است که یک روش سنجش برای میزان موفقیت تحریم‌ها، به دست آوردن نوعی برآورد از اولویت‌های ملی کشور هدف، و اعتبار و جایگاه آن کشور است، و این که چگونه می‌توان به آنها صدمه زد (۴۴). عوامل کلیدی که او برمی‌شمرد، عبارتند از: ماهیت نهادهای سیاسی در کشور هدف؛ سازوکار کلان اقتصادی و سیستم مالی و آسیب‌پذیری آن؛ ماهیت روابط تجاری کشور مورد نظر؛ ارزش‌های فرهنگی (شامل انگیزه‌های مادی کم یا زیاد، اعتبار و مشروعیت نهادهای بین‌المللی نزد مردمان، آمادگی فداکاری،...); تاریخ متأخر (تجارب صلح و جنگ در دوره‌های طولانی); جمعیت‌شناسی (میانگین سن که تعیین‌کننده اهمیت میزان بیکاری، و یا تحت تأثیر قرار دادن امکان مسافرت

و آزادی جابجائی جمعیت شهری است؛ دسترسی به منابع بیرونی اطلاعات (به منظور تحت تأثیر قرار دادن جمعیت نسبت به شایعات، غلبه بر برنامه‌های ملی حکومت)؛ و جغرافیای کشور (طول مرزها، همسایگان، ...). همه ویژگی‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی بالا، باید بررسی شوند تا مؤثرترین و دردآورترین تحریم‌ها بر کشور هدف اعمال شوند.

از آنجا که «تحت تأثیر قرار دادن مردم عراق، ارزش کمتری نسبت به عمل مشابه در ایران داشته ... اعمال تحریم در بخش خصوصی ایران، می‌تواند اثر تنبیهی بیشتری نسبت به تحریم بخش خصوصی عراق داشته باشد و تأثیر خود را نشان دهد» (۴۹). در واقع نفیو به سازوکارهایی از تحریم اشاره دارد که موجب تحریک جمعیت علیه حاکمیت کشور می‌شود. اینجاست که رفتار حکومت، نقش تعیین‌کننده‌ای بازی می‌کند.

درک حاکمیت از اولویت‌های ملی، تعیین‌کننده واکنش او نسبت به تحریم‌ها بوده و طبعاً ادامه و اصلاح مسیر تحریم‌ها، وابسته به آن است: بودجه‌ها چگونه تنظیم می‌شوند؟ باینه‌ها و مواضع سیاسی گروه‌های حاکمیت چه می‌گویند؟ چه میزان تکیه بر قانون اساسی در رفتار حاکمیت دیده می‌شود؟ نگرش‌ها و نگرانی‌های مردمی چیست؟ اسناد ستراتیژیک چگونه تنظیم می‌شوند؟ (۶۶).

در حالی که فعالیت‌های هسته‌ای ایران منطبق بر **ان‌پی‌تی** بود «جا انداختن این استدلال که مقاصد ایران صرفاً و ماهیتاً نظامی است، با توجه به میراث جنگ عراق و آبروی از دست رفته سرویس‌های اطلاعاتی امریکا در مورد سلاح‌های کشتار جمعی، و نبود سند مشخص در مورد فعالیت‌های ایران برای ساخت کلاهک هسته‌ای، دشوار بود ... در سال ۲۰۰۷، کشور ایران به صورت یک کشور نرمال و معمول در نظام بین‌المللی مالی بود و به عبارت بهتر، در تمام اقتصادهای دنیا، این تنها امریکا بود که محدودیت‌های مستقیمی را بر دسترسی ایران به فعالیت‌های مالی وضع کرده بود ... عموماً سایر کشورها، ایران را پاک می‌دانستند و هیچ‌گونه سابقه‌ای از فعالیت‌های پنهانی این کشور که مستحق تحریم باشد، مشاهده نکرده بودند» (۵۳).

در همین سال ۲۰۰۷ «امریکا تلاش کرد فشار بر ایران را به صورت قابل توجهی از طریق متقاعد کردن کشورهای دیگر در مورد خطرناک بودن برنامه هسته‌ای ایران و شتاب آن در جهت نقض قوانین بین‌الملل افزایش دهد و این نکته را جا بیندازد که ایران عملاً به سمت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای می‌رود. در این مسیر، خود ایرانی‌ها، خوراک بسیار خوبی برای ما فراهم کردند، که مهم‌ترین آن، تصمیم ایران برای از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم در تأسیسات نطنز بود» (۵۱).

این وضعیت نشان‌دهنده آن است که در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، درک حاکمیت از اولویت‌های ملی دچار نقایص جدی بوده و عملاً پای‌بندی ایران به مقررات بین‌المللی -چه در زمینه هسته‌ای و چه در زمینه مالی- را در سایه قرار داده بود. این‌گونه بود که قطع‌نامه ۱۸۰۳ سازمان ملل متحد -مصوب مارچ ۲۰۰۸- مشکل را برای ایرانیان دو چندان کرد. نفیو از این که «زندگی را برای ایرانیان سخت کرده است» (۵۱) به وجد آمد.

اما سخت کردن زندگی برای ایرانیان، همه آن چیزی نبود که امریکا می‌خواست. نظام تحریم‌ها در درجه اول، قصد تغییر ساختار اجتماعی اقتصادی، و سپس تغییر سیاست‌های ایران را داشته است.

«نتیجه‌ای که به‌دست آمد یک موفقیت بی‌نظیر بود و اقتصاد ایران با کاهش رشد تولید ناخالص داخلی از ۳ درصد تا ۶.۶ درصد بین سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ مواجه شد. نرخ بیکاری و تورم ایران نیز دو رقمی باقی ماند و در سال ۲۰۱۲، پول ملی ایران تا ۳ برابر با کاهش ارزش، تنها ظرف چند هفته مواجه شد و این مسأله به تحلیل شدید منابع

ارزی این کشور منجر گردید ... امریکا تلاش کرد رسیدن به اصلاحات اقتصادی را تا آنجا که می‌تواند به تعویق بیندازد» (۸۷).

منظور نفیو از «اصلاحات اقتصادی»، قطعاً نمی‌توانست روند خصوصی‌سازی باشد، چرا که این‌گونه «اصلاحات» از سال‌ها قبل آغاز شده بود. ضمناً نفیو در صفحات بعد تأیید می‌کند که زمانی برای رسیدن به برجام تعجیل شد که تجارت غیرنفتی ایران رشد یافت و فشارهای تحریمی رفته رفته شدت اثر بخشی خود را از دست دادند (۱۰۸). او چنین توضیحی را در مورد اصلاحات اقتصادی که نمی‌خواست صورت پذیرد، می‌دهد: «... چرا که این قضیه می‌توانست به ایران کمک کند تا وارداتش را کاهش دهد. از آنجا که مردم ایران عملاً می‌توانستند چنین کالاهایی را بخرند و واردات نیز جریان داشت، پائین آمدن ارزش پول ملی و بالا رفتن ارزهای خارجی، عملاً امکان خرید این کالاها را از بسیاری از ایرانی‌ها گرفت و تنها افراد ثروتمند و کسانی که در موضع قدرت بودند، می‌توانستند همچنان از منافع مرتبط بودن ایران با شبکه‌های بین‌المللی سود ببرند. به این ترتیب، ارز به‌صورت مدام از ایران خارج می‌شد و کالاهای تجملاتی وارد این کشور می‌شد و بحث نابرابری و تورم، روزبه‌روز در ایران قوت بیشتری می‌گرفت. این شرایط، نتیجه یک انتخاب درست و تصمیمی بود که مبنای آن، اعمال فشار بر دولت ایران و حاکمیت این کشور از داخل بود. بحران ارز در اکتوبر ۲۰۱۲ نمود بیشتری پیدا کرد و مردم ایران به خیابان‌ها ریختند تا نسبت به درآمد کاهش یافته خود اعتراض کنند. امریکا و متحدانش از دانش خود در مورد انقلاب ایران و احتمال به‌وجود آمدن ناهماهنگی اقتصادی، به‌عنوان راهی عامدانه برای جدا کردن حاکمیت از مردم، استفاده کردند» (۸۷).

معنای عبارت طولانی بالا آن است که سستی و تردید حاکمیت در اقدام به قطع واردات کالاهای لوکس، و باز گذاشتن راه برگشت دالرهای نفتی توسط امپریالیسم و متحدانش، صرفاً از طریق واردات آن کالاهای مصرفی - نه کالاهای سرمایه‌ی - کمک فراوانی به تداوم رنج مردم از تحریم‌ها کرد. ما قبلاً در مجله «دانش و مردم» (شماره ۱۷، زمستان ۹۷) به‌طور مفصل به تجربیات دولت ملی دکتر مصدق، در تقابل با تحریم شدید از طرف بریتانیا پرداخته‌ایم. آن دولت، ابتکارات وسیعی را به‌کار برد تا در شرایطی که حتی یک لیره هم درآمد نفت نصیب ایران نمی‌شد، نرخ تورم را بین ۴ تا ۶ درصد محدود کند و مانع خلق طبقه «کاسب‌کاران تحریم» شود.

امپریالیسم امریکا با استفاده از فضای مساعد، عملاً به ایجاد طبقات اجتماعی جدیدی از منتفعان تحریم، و بورژوازی تجاری کمپرادور دست زد. این دستکاری اجتماعی اقتصادی، از طریق اختلال در نظام ملی کشور صورت گرفت. نتایج پایدار آن‌را هم اکنون شاهدیم. نفیو در صفحات قبلی تنها به ذکر این نکته اکتفاء کرده بود که «برخی از عناصر سیاسی، به‌دلیل منافی که وجود دارد، از تحریم‌ها استقبال می‌کنند» (۶۸). منظور او از عناصر سیاسی، نمایندگان طبقات مرتجعی هستند که از مسیر اعمال تحریم‌ها، خلاف منافع ملی و از درون نظام سرمایه‌داری، استحاله یافته، و به بورژوازی ضد ملی، و الیگارش‌ها بدل شده‌اند.

اما هدف اصلی دیگری که از آن یاد کردیم، تغییر سیاست‌های ایران است. او در نتیجه‌گیری‌های نهایی خود، به‌وضوح اشاره می‌کند: «رفتارهای ایران در خاورمیانه و در درون این کشور، نگرانی‌هایی را برای امریکا و متحدانش، و همچنین شرکایش در منطقه و فراتر از آن به‌وجود آورده است ... اگر فرض کنیم که حفظ برجام، یکی از اولویت‌های امریکا و متحدانش است، آنگاه ستراتیژی برای مقابله با ایران - از جمله با استفاده از تحریم‌ها - به‌دلیل رفتارهای دیگرش می‌بایست تدوین شود»<sup>۲</sup>. (۱۱۴)

پس تحریم‌های هسته‌ی، تنها بهانه و گام اولیه برای حصول به اهداف بلند مدت‌تری است، و آن دفع مزاحمتی است که ایران برای سلطه بی‌چون‌وچرای امریکا در منطقه ایجاد می‌کند. اگر در مورد تحریم‌های روسیه (پس از الحاق شبه

جزیره کریمه) این سؤال وجود دارد که «نیازهای غربی‌ها به‌عنوان کشورهای تحریم‌کننده، دقیقاً چیست؟» (۱۲۹)، این سؤال در مورد ایران وجود ندارد.

در این کتاب، به ابعاد مختلف طراحی و کاربرد هنر تحریم -به مثابه سلاح جنگی- پرداخته شده و دغدغه‌های فراوانی از تأثیرات ناخواسته در فرایندهای مربوط، ابراز شده است؛ اما تنها یک دغدغه هیچ جایگاهی برای مکث ندارد: **رنجی که مردمان کشور هدف می‌برند.**

1. <https://www.gicj.org/positions-opinions/gicj-positions-and-opinions/1188-razing-the-truth-about-sanctions-against-iraq>

۲. روز شنبه ۷ مرداد-اسد- ۱۴۰۲، روزنامه ایران، در باره فایل سخنان مالی -که به برکناری‌اش منجر شده است- مطلبی دارد که مؤید هدف پنهان امریکا از مذاکرات هسته‌ای است. هدف، تسلیم ایران به سیاست‌های مورد علاقه امریکاست.

دانش و امید، شماره ۱۹، شهریور- سنبله- ۱۴۰۲